

مقاله پژوهشی

نقش آگاهی سیاسی در جنبش‌های جدید اجتماعی با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران

فرهاد رشیدی^۱، بهناز اژدری^۲، مجید گل پرور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

چکیده: جنبش‌های اجتماعی یکی از موثرترین ابزارها جهت پیشبرد تغییرات در ساختارهای قدرت و سیاست‌های اجتماعی هستند. از طرفی، اهمیت پرداختن به این موضوع به این دلیل مهم است که افراد با داشتن آگاهی سیاسی بالا، می‌توانند به عنوان موتور محرک در فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت کرده و به سازماندهی جنبش‌های اجتماعی بپردازند. با داشتن آگاهی سیاسی، افراد می‌توانند اطلاعات درست را از نادرست تشخیص داده و در برابر تبلیغات سیاسی نادرست مقاومت از خود نشان دهند و بهترین استراتژی‌ها را جهت پیشبرد اهداف جنبش‌های اجتماعی انتخاب نمایند. بر این اساس، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، هدف مقاله حاضر پرداختن به این پرسش است که آگاهی سیاسی افراد چه نقشی در ایجاد جنبش‌های جدید اجتماعی نظیر انقلاب اسلامی به مثابه یک عمل تاریخمند ایفا کرده است؟ این پژوهش به منظور بررسی این پرسش به بررسی نقش آگاهی سیاسی در جنبش انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آگاهی سیاسی به مثابه یک عامل موثر با تمرکز بر عوامل اثرگذار رهبری و ایدئولوژی در بسیج سیاسی یک جنبش جدید اجتماعی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران موثر بوده است.

واژگان اصلی: جنبش‌های جدید اجتماعی، آگاهی سیاسی، انقلاب اسلامی، رهبری، ایدئولوژی.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

۱. مقدمه

امروزه به کمک انتقال اطلاعات، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جهان دستخوش تغییرات جدی شده‌اند. همانگونه که مناسبات اقتصادی به سمت تحرک بیشتر و حجم کمتر میل دارند، نمادها و الگوهای فرهنگی نیز در فضای مجازی ناشی از تبادل اطلاعات در جریان تغییری مداوم هستند. در جامعه شبکه ای که امروزه در آن بسر می‌بریم دینامیسم درونی آن دائما در حال شکل دادن به ساختارهای نوین اجتماعی و سیاسی است. بر همین مبنا «آلن تورن» به پایان عصر انقلاب های عظیم و ظهور تغییرات اجتماعی در قالب جنبش‌های اجتماعی تاکید دارند. جنبش‌های اجتماعی یکی از انواع رفتارهای جمعی و اعتراضی تلقی می‌شود که پاسخ عده ای از مردم به یک وضعیت یا مساله ای خاص است و مختص جوامع مدرن تلقی می‌شود. جنبش‌های اجتماعی معمولا حول محور یک یا چند تضاد و شکاف در جامعه شکل می‌گیرند و بسترهای تحول در جامعه را شکل می‌دهند که این تحول توانایی آنرا دارد تا به اصلاحات یا انقلاب بدل شود. تغییرات اجتماعی آرام و تدریجی و مسالمت آمیز روندی اصلاحی به خود می‌گیرند و تغییرات بنیادی و سریع روندی انقلابی پیدا می‌کنند. از آنجا که تحولات سیاسی و اجتماعی نیازمند آگاهی اجتماعی است، مساله شکل‌گیری و پیدایش انقلاب در مرکز تمرکز جامعه‌شناسی سیاسی قرار می‌گیرد.

از طرف دیگر، آگاهی سیاسی نقش انکارناپذیری در ایجاد و تقویت و پایداری جنبش‌های اجتماعی دارد. آگاهی سیاسی فرایندی است که افراد جامعه را به نیازهای سیاسی- اجتماعی و انتظارات دیگران از خود آگاه می‌سازد. افرادی که آگاهی سیاسی دارند معمولا به حقوق و وظایف شهروندی خود واقف‌اند، مسائل ملی و جهانی را دنبال می‌کنند و توانایی تحلیل و نقد سیاست‌ها و رویدادها را دارند. آگاهی سیاسی می‌تواند از طریق مطالعه، مشارکت در بحث‌های سیاسی، دنبال کردن اخبار و تحلیل‌ها و تعامل با افراد دارای دیدگاه‌های مختلف افزایش یابد. این آگاهی نقش مهمی در ایجاد جامعه ای پویا و مطالبه‌گر دارد، زیرا به شهروندان کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند و به صورت موثر در تعیین آینده جامعه خود دست به رفتارهای سیاسی بزنند. یکی از راه‌های افزایش آگاهی سیاسی، آموزش افراد در زمینه مسائل

سیاسی - اجتماعی می‌باشد. آموزش سیاسی، یکی از روش‌های مهندسی فرهنگی ساختارهای سیاسی - اجتماعی گذشته است که اعضا جامعه آن را فرا می‌گیرند و از این طریق دست به مشارکت آگاهانه در فرایند بازسازی، اصلاح و بهبود آگاهانه جامعه خویش می‌زنند. جنبش‌های اجتماعی در سیر تکامل خود ممکن است به احزاب سیاسی تبدیل شوند. از آنجایی که احزاب سیاسی نهاد قدرتمند به مثابه پل واسطه بین مردم و حکومت قلمداد می‌شوند، می‌توانند در مطالبه‌گری افراد به شکل قانونی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. مسلماً در غیاب این نهاد قدرتمند مدنی، مطالبه‌گری افراد از طریق ساختارهای دیگری نظیر جنبش‌های اجتماعی فرا قانونی انجام می‌شود و این می‌تواند تهدیدی مهم برای مشروعیت نظام‌های سیاسی محسوب شود. درباره انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک جنبش اجتماعی به نظر می‌آید این جنبش از مولفه‌های آگاهی سیاسی برخوردار بوده و بر این اساس با توجه به نظریه «آلن تورن» درباره جنبش‌های جدید اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران بررسی می‌گردد و مولفه‌های تاثیرگذار آگاهی سیاسی در جامعه ایرانی در دهه ۵۰ شمسی به بحث گذاشته می‌شود. روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

۲. پیشینه پژوهش

انقلاب اسلامی به عنوان یک جنبش اجتماعی جدید از اهمیت بسیاری نزد جامعه‌شناسان و محققان مباحث انقلاب برخوردار است. در زیر به تعدادی از پژوهش‌ها درباره جنبش‌های جدید اجتماعی و انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

«جان اسپوزیتو» و «جان وال» در کتاب «جنبش‌های اسلامی معاصر» (۱۳۹۶)، به بررسی مولفه‌های جنبش‌های جدید اجتماعی و انقلاب ایران پرداخته‌اند. آنها الگوی سیاسی - دینی انقلاب ایران را شهادت امام حسین (ع) معرفی کرده‌اند و نبرد میان ظالم و مظلوم را در قالب یک جنبش سیاسی دینی جدید توضیح داده‌اند.

«آلن تورن» در کتاب «بازگشت کنشگر: نظریه اجتماعی در جامعه پسا صنعتی» (۱۴۰۰)، نظریه جدید جامعه‌شناسی کنش را ارائه می‌دهد و مطالعه جنبش‌ها را بر

مطالعه ساختارها تقدم می بخشد و مفاهیم تاریخمندی، جنبش اجتماعی و سوژه را جایگزین جامعه، تکامل و نقش می کند.

آلن تورن در کتاب «تولید جامعه» (۱۹۷۳)، روابط و طبقات اجتماعی و سلطه را با مفهوم جنبش اجتماعی تبیین می کند. از نظر وی جنبش اجتماعی به دنبال در اختیار گرفتن تاریخمندی است و جهت گیری فرهنگی آن در جهان اجتماعی زدایی شده بیشتر از جهت گیری اجتماعی و اقتصادی است.

جان فوران در کتاب «یک قرن انقلاب در ایران» (۱۳۹۶)، به بررسی چند جنبش فعال در ایران از جمله انقلاب اسلامی می پردازد و انقلاب ایران را تحت تاثیر نظریه توسعه وابسته و انسجام مخالفان سیاسی تحت عنوان اسلام شیعه و در واکنش به نوسازی غرب تبیین می کند.

«تدا اسکاچپول» در مقاله ای تحت عنوان «دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران» در صدد است ابعاد فرهنگی انقلاب ایران را توضیح دهد. اسکاچپول بر نقش نمادهای اخلاقی و شیوه های ارتباطات اجتماعی در تقویت و تداوم مبارزه علیه شاه و پیروزی انقلاب ایران توجه می کند. (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ۱۳۴-۱۳۱).

منصور معدل در کتاب «طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب» (۱۳۸۲)، انقلاب ایران را بررسی کرده و معتقد است انقلاب زمانی شکل گرفت که نارضایتی مردم به صورت گفتمان اسلامی و شیعی در مقابل سلطنت قرار گرفت و مفاهیم سیاسی و قدرت مبارزه را برای نبردی ایدئولوژیک در مقابله با رژیم پهلوی فراهم کرد.

مهران کامروا در کتاب «انقلاب ایران: ریشه های ناآرامی و شورش» (۱۳۹۸)، با درهم آمیختن نظریه های جامعه شناختی، روانشناختی و سیاسی به بیان فروپاشی ساختار دولت پهلوی و عملکرد مخالفان پرداخت. از نظر وی، مبارزین مذهبی و روحانیون از هژمونی اجتماعی، فرهنگی و منابع بسیج اجتماعی برخوردار بوده و در غیاب این ویژگی ها در دیگر گروه های مبارز، توانستند بر رژیم پهلوی پیروز شوند.

سعید زاهد در کتاب جنبش های اجتماعی معاصر ایران (۱۳۹۶)، به بررسی تاریخی پنج جنبش در ایران پرداخته و با بررسی نظریه پردازان جنبشهای اجتماعی، جنبش انقلاب اسلامی ایران را بررسی کرده است.

«لیلی عشقی» در کتاب «زمانی غیر زمانها (امام، شیعه و ایران)»، (۱۳۷۹)، انقلاب ایران را انقلابی می داند که زمین را به ملکوت متصل کرد و امام خمینی (ره) مهمترین بازیگر این انقلاب بوده است و به درستی توانست انقلاب ایران را هدایت کند. مجموعه این پژوهشها نشان می دهد موضوع جنبش ها و انقلاب اسلامی با دیدی تاریخی و جامعه شناختی مورد بررسی قرار گرفته اند و نسبت به نگاه تطبیقی بی توجه بوده اند. همچنین این آثار مساله تاریخمندی و کنش انسانی هدفمند و تاریخی کنشگران انقلابی را بررسی نکرده اند و مقاله حاضر تلاش می کند موضوع آگاهی سیاسی و مساله تاریخمندی و کنش هدفمند را از نگاه آلن تورن در جنبش انقلاب اسلامی به بحث بگذارد و بررسی این موضوع در پژوهش حاضر نوآوری و وجه تمایز آن با دیگر مطالعات صورت گرفته است.

۳. مبانی نظری پژوهش

جنبش های اجتماعی به عنوان رفتار و کنش اجتماعی و همچنین به عنوان کارگزاران تغییرات اجتماعی مورد توجه جامعه شناسانی نظیر آلن تورن (۱۹۸۱)، یورگن هابرماس (۱۹۹۲) و کلاوس اوفه (۱۹۸۴) بوده است. بنابراین جنبش های اجتماعی نوعی رفتار جمعی است که با کنشگری در بیرون از شبکه های نهادی، درصدد تغییر یا تثبیت یک نهاد در جامعه است. به طور کلی جنبش اجتماعی محصول تاریخ معاصر است. (ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۶۸-۶۷). ابعاد نظری جنبش های اجتماعی به دو بخش عمده تقسیم می شود. بخش اول تاکید بر ابعاد روانشناختی دارد و با استفاده از مولفه های خرد در سطح فردی درصدد تبیین یک واقعیت جمعی و فردی است و بخش دوم به تاکید بر زمینه های اجتماعی و ساختاری که منجر به ظهور جنبش های اجتماعی می شود به بررسی ابعادی در سطح فرافردی می پردازد. بخش اول با تبیین های نظری از نوع روانشناسی، ریشه های جنبش های اجتماعی را در شخصیت کنشگران بررسی می کند. از دید نظریه پردازان روانشناسی اجتماعی، جنبش های اجتماعی از پایین شکل می گیرد.

در این حیطه بر متغیرهایی نظیر نارضایتی اجتماعی، ناسازگاری اجتماعی، حاشیه ای شدن و احساس محرومیت بخصوص محرومیت نسبی تاکید می‌شود.

در بخش دوم، از رویکرد جامعه شناسی که بر عوامل فرافردی و متغیرهایی نظیر زمینه های ساختاری، فشار و کنترل های سیاسی، دسترسی به منابع و وجود مسیرها و فرصت های تازه تاکید دارد، استفاده می‌شود. آلن تورن جزو دسته دوم از نظریه پردازان جنبش های اجتماعی محسوب می‌شود. به زعم آلن تورن یک حرکت اجتماعی فراگیر زمانی جنبش اجتماعی خوانده می‌شود که از سه ویژگی برخوردار باشد:

۱- از افرادی با هویت یکسان تشکیل شده باشند که منافع خاصی را دنبال کنند.

۲- دارای حریف یا دشمن مشخصی باشد.

۳- دارای هدف و تفکری باشد که پیشرفت جامعه را هدف قرار داده

باشند. (دلپورتا، ۱۳۹۶: ۱۹۶)

«تورن» همچنین جنبش ها را به سه گروه جنبش های تاریخی، جنبش های اجتماعی و جنبش های فرهنگی تقسیم می‌کند. جنبش های تاریخی به جنبش هایی گفته می‌شود که در خصوص شیوه توسعه با حاکمیت سیاسی ضمن تاکید بر جهت گیریهای فرهنگی جامعه در تضاد باشد و اعتبار دولت را به این سبب زیر سوال ببرند. (خسرو خاور، ۱۳۷۹: ۴۲) مهم ترین کار آلن تورن در کتاب «بازگشت کنشگر»، این است که کنشگر را سوژه ای فعال می‌داند که بر ویرانی جامعه صنعتی متولد می‌شود که از ویژگی های آن پایان هژمونی جهان غرب و پیدایش جنبش های پوپولیستی (عوام گرا) است. کنشگر فعال در این جامعه نمی‌خواهد زیر فشار پدیده های اجتماعی، اقتصادی و طبقاتی باشد و می‌خواهد با اتکاء بر خود و بازگشت به خویشن خویش و هویت یابی فرهنگی و معنوی است. (ایوبی، ۱۴۰۳: ۴۸۱-۴۷۸).

۴. عمل تاریخمند

عمل تاریخمند به کنش آگاهانه و هدمند انسانها در بستر تاریخی خاص اشاره دارد که به تغییرات اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. این کنش ها با درک شرایط تاریخی و اجتماعی و با هدف تغییر آنها صورت می‌گیرد. عمل تاریخمند نتیجه تصمیمات آگاهانه

و جمعی است که بر مبنای تجربه و تحلیل انتقادی از وضعیت موجود گرفته می شود. به عبارتی، آگاهی سیاسی زمینه ساز عمل تاریخمند است. بدون آگاهی سیاسی، افراد ممکن است به صورت منفعلانه در برابر تغییرات اجتماعی و سیاسی واکنش نشان دهند، اما با داشتن آگاهی سیاسی، این واکنش ها به شکل آگاهانه و هدفمند انجام می شوند.

آگاهی سیاسی به افراد این توانایی را می دهد که نه تنها مشکلات خود را تشخیص دهند، بلکه ابزارها و راهبردهای لازم برای مقابله با این مشکلات را نیز بشناسند. این پیوند زمانی آشکارتر می شود که به جنبش های اجتماعی در تاریخ نگاهی بیندازیم. برای مثال، در جنبش حقوق مدنی آمریکا، آگاهی سیاسی نسبت به نابرابری های نژادی منجر به شکل گیری عمل تاریخمند در قالب اعتراضات و مقاومت های مدنی شد. این جنبش ها نه تنها باعث تغییرات در قوانین نژادی شدند، بلکه ساختارهای اجتماعی را نیز تحت تاثیر قرار دادند.

«آلن تورن» نیز در تحلیل خود از پیدایش جنبش ها به عامل «تاریخیت» اشاره می کند. از نظر تورن برای ایجاد تغییر در جامعه می بایست به شناخت فرایندهای اجتماعی موجود در جامعه دست یافت. بنابراین «تاریخیت» شیوه نگرشی است که از شناخت فرایندهای اجتماعی حاصل می شود این فرایندها شامل جریان های فکری و الگوهای زندگی است که ساختار سیاسی برای ماندگاری خود آنها را بر مردم تحمیل می کند. پیامد این شناخت، شکل گیری جنبش ها و تلاش برای تغییر وضعیت موجود است. برای مثال آگاهی در مورد نابرابری در آموزش و پرورش منجر به ظهور جنبش حقوق مدنی در آمریکا گردید. با نگاهی عمیق بر «تاریخیت» از دیدگاه «تورن» می توان آن را با «خودآگاهی» مارکس مقایسه کرد که زمینه پیدایش جنبش های کارگری را هموار کرد. (تورن، ۱۴۰۰: ۲۱۶-۱۹۰).

بر این اساس، جنبش های اجتماعی جدید نتیجه کوشندگی و عمل سیاسی افراد با داشتن آگاهی سیاسی، نه لزوماً جهت احقاق حقوق سیاسی و اقتصادی بلکه، برای کنترل زندگی، انتخاب آگاهانه و حق شناخت است. این انتخاب آگاهانه در افراد می تواند در قالب رهبری توزیعی، شبکه های شناور نامحسوس، تعاملات بسیج منابع، بسیج سیاسی نوین و بروز هویت های سیال در دل جنبش های اجتماعی نوین متجلی شود. در ادامه به

عوامل تاثیر گذار آگاهی سیاسی پرداخته می شود تا از رهگذر آن بتوان عوامل موثر بر انقلاب اسلامی به عنوان یک جنبش اجتماعی جدید مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۴. آگاهی سیاسی و رهبری توزیعی در جنبشهای نوین اجتماعی

جنبش های اجتماعی نوین، به جای دگرگونی در ساختارهای سیاسی و تغییر موازنه قدرت به طور مستقیم، خواهان تغییر بخش یا حوزه ای از مناسبات اجتماعی یا فرهنگی در روابط روزمره و در روال معمول زندگی اجتماعی می باشند. این جنبش ها از دهه های آخر قرن بیستم موجب تغییرات بزرگی در جوامع و به ویژه جوامع توسعه یافته شدند. عامل این تغییرات، سازمان ها و قدرتهای تشکل یافته سیاسی نیستند، بلکه انسان هایی هستند که اغلب با داشتن آگاهی سیاسی و اجتماعی به مثابه کنشگرانی فعال که در پی کسب حقوق انسانی از دست رفته خود می باشند و قادرند اندیشه های خود را در جامعه گسترش دهند، می باشند. (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۲۳۹)

رهبری در جنبش های اجتماعی نقش کلیدی در شکل دهی، سازماندهی، و هدایت حرکت های اجتماعی به سوی اهداف مشخص دارد. بسیج سیاسی، نیازمند رهبری است. رهبری بسیج گر، اهداف جنبش را فراروی مخالفان قرار می دهد و ضمن تخطئه جامعه موجود، تصویری روشن از جامعه ایده آل و بهتر ترسیم می کند. افزون بر این، رهبری بسیج، دارای توانایی ها و ویژگیهای برجسته ای است که در پرتو رهبری توده ها، به بهترین وجه به تحریک مردم به اعمال سیاسی می پردازد. وی در این رابطه، ایدئولوژی را ساده و عامه فهم می سازد و در پرتو آن افراد را متقاعد می کند که نظام موجود فاسد است و باید از بین برود. در روند تحولات انقلابی، رهبر یا رهبران انقلاب می بایست در دو چهره به ایفای نقش بپردازند: اول، به مثابه ایدئولوگ انقلاب، یا بنیانگذار مکتب فکری و طرح ایدئولوژی انقلاب، و دوم به مثابه رهبر انقلاب یا قهرمان و فرمانده کل عملیات انقلاب. (عیوضی، ۱۳۸۵: ۲۰۰)

امروزه رهبری در جنبش های اجتماعی جدید به دلیل تغییر در ابزارها و شرایط اجتماعی- سیاسی ویژگی های متفاوتی نسبت به جنبش های اجتماعی قدیم دارد. این رهبران از طریق فناوری های نوین اطلاعاتی برای سازماندهی و بسیج پیروان خود، به

شکلی انعطاف پذیر و تطبیق پذیر عمل می کنند. در این میان، ارزش های اخلاقی و اصول انسانی نقش حیاتی در مشروعیت بخشی به این جنبش ها ایفا می کند. رهبران جنبش ها نه تنها به مثابه چهره های نمادین جنبش عمل می کنند، بلکه به عنوان راهبران فکری و عملی، نقش محوری در بسیج نیروها و حفظ انسجام جنبش ایفا می کنند. در جنبش های اجتماعی جدید که اغلب توسط شبکه های اجتماعی جدید و فناوری های مدرن تقویت می شوند، رهبری شکل های متنوع و پویا به خود گرفته است. در بسیاری از جنبش های اجتماعی جدید، به جای یک رهبر متمرکز، رهبری به شکل توزیعی و غیر متمرکز عمل می کند. این نوع رهبری بر مشارکت جمعی، همکاری و توانمندسازی اعضا تاکید دارد و به ویژه در محیط های پویا و ناپایدار کارآمد است. رهبری توزیعی با آموزش سیاسی به افراد مختلف در سطوح متفاوت این امکان را می دهد تا نقش رهبری را خود به عهده گیرند و وظایف و مسئولیت ها را میان خود تقسیم نمایند و رهبری به موضوعی الهام بخش برای توده ها تبدیل می گردد.

۲.۴. آگاهی سیاسی و تعاملات بسیج منابع جنبش های اجتماعی نوین

تعامل میان جنبش های اجتماعی بر این اساس شکل می گیرد که هر جنبش اجتماعی در بستر چه شکلی از مدیریت تعارضات و نقش روابط اجتماعی شکل گرفته باشد. به طور کلی تعاملات جنبش های اجتماعی را می توان به تعاملات درون جنبش، میان جنبش و برون جنبش تقسیم کرد. تعاملات درون جنبش ها نقش کلیدی در موفقیت و پایداری آنها ایفا می کند. تعاملات درون جنبش ها می تواند جنبه های مختلفی داشته باشد از قبیل: سازماندهی، تصمیم گیری، ارتباطات و حل تعارضات داشته باشد. تعاملات میان فردی از طریق تاکید بر شبکه سازی، رویکردهای غیر رسمی، همکاری و همبستگی، تصمیم گیری دموکراتیک، آموزش، توانمندسازی سیاسی و مدیریت تعارضات نقش مهمی در تقویت و پایداری این جنبش ها ایفا می کنند.

در این میان، توانمندسازی و آموزش سیاسی نقش انکار ناپذیری در ایجاد و تقویت و پایداری جنبش های اجتماعی دارد. آگاهی سیاسی فرایندی است که افراد جامعه را به نیازهای سیاسی - اجتماعی و انتظارات دیگران از خود آگاه می سازد. یکی از راه های

افزایش آگاهی سیاسی، آموزش افراد در زمینه مسائل سیاسی- اجتماعی می باشد. به عبارتی، آموزش سیاسی، یکی از روش های مهندسی فرهنگی ساختارهای سیاسی- اجتماعی گذشته است که اعضا جامعه ان را فرا می گیرند. تعهد نسبت به جنبش به خودی خود تداوم نمی یابد. این امر می بایست از طریق روابط متقابل با جنبش حفظ شود و هر اقدامی که این روابط متقابل را رضایت بخش سازد به حفظ تعهد کمک می کند. «دلتن» و «وهر» ساز و کارهای تعلقات اجتماعی را که جنبش ها برای حفظ تعهد به کار می برند را شامل رهبری، ایدئولوژی، سازمان، مناسک و روابط اجتماعی می دانند که هر یک به نوبه خود به بقا تعهد یاری می رسانند و البته موثرترین حالت، ترکیبی از تمامی این عوامل است. این دو نویسنده به «تعهد مشترک» ناشی از رهبری مشترک، فشار گروه به عنوان وسیله اولیه حفظ ایدئولوژی یک جنبش، پذیرش نقش در داخل خود سازمان به عنوان شیوه ای برای افزودن بر سرمایه گذاری افراد در سازمان، مناسک به عنوان قالب های رفتاری که در طول زمان تکرار می شوند تا هسته اصلی عقاید گروه را تقویت کنند و حلقه دوستان که عقاید و رفتار فرد را که در معرض دقت و مهار شدیدتر جمعی قرار می دهد، اشاره می کنند. (آلینسکی، ۱۳۹۴: ۴۸)

۳.۴. آگاهی سیاسی و بسیج سیاسی

آگاهی سیاسی و بسیج سیاسی دو مفهوم مهم و مرتبط با یکدیگر در علم سیاست هستند که هر دو در فرایندهای تغییر اجتماعی و سیاسی نقش بسزایی دارند. آگاهی سیاسی به مثابه یک پیش شرط ضروری برای بسیج سیاسی در جنبش های اجتماعی نوین عمل می کند. زمانی که افراد از مسائل سیاسی- اجتماعی آگاهی پیدا می کنند و می فهمند که چگونه این مسائل بر زندگی آنها تاثیر می گذارد، احتمال بیشتری دارد که در فعالیت های سیاسی مشارکت کنند و به بسیج سیاسی بپیوندند.

بسیج به معنای فعال شدن از نظر سیاسی و کاربرد منابع قدرت گروه در جهت اهدافی است که توسط ایدئولوژی آن تعیین می شود. منابعی که در فرایند بسیج نقش دارند، منابع و وسایل اجباری و منابع ارزشی (وفاداری عقیدتی) هستند. بر این اساس، بسیج روندی است که در آن واحد اجتماعی، به سرعت بر منابعی که پیش از این بر آنها

کنترلی نداشته، کنترل پیدا می کند. (عیوضی، ۱۳۸۵: ۲۰۰) افراد در جنبش های اجتماعی از طریق آگاهی بخشی توسط سران جنبش، تحت تاثیر منابع ارزشی و اعتقادی خود قرار می گیرند و شکلی سامان یافته برای رفتار سیاسی خود پیدا می کنند. از طرف دیگر، از آنجایی که آگاهی سیاسی نقشی اساسی در تحریک و تشویق به بسیج سیاسی دارد، زمانی که افراد جامعه از مسائل سیاسی، ساختارهای قدرت و تاثیر تصمیمات سیاسی بر زندگی خود آگاه می شوند، این آگاهی می تواند به انگیزه ای برای اقدام و مشارکت در فعالیت های سیاسی نظیر جنبش های اجتماعی تبدیل شود.

۵.۴. آگاهی سیاسی و ایدئولوژی

ایدئولوژی نقش عمده ای در بسیج سیاسی دارد، زیرا بسیج نیازمند سبیل ها و شعارهایی است که به وسیله ایدئولوژی بسیج تامین می شود. افزون بر این، ایدئولوژی با دارا بودن یک جهان بینی و مجموعه ای از عملکردها و کنش های اجتماعی که از دیر باز وجود داشته، می تواند به انقلاب بینجامد. ایدئولوژی چند کار- ویژه اساسی دارد. نخستین وظیفه آن، نکوهش وضع موجود و یافتن ریشه های نابسامانی است. دیگر آنکه بر وجوه مشترک اعتراضات گروه های مختلف اجتماعی انگشت می گذارد و برای رفع آنها راه حل های علمی، هم برای ویران کردن نهادهای موجود و هم برای ایجاد نهادهای نو ارائه می دهد. وظیفه دیگر ایدئولوژی، ترسیم وضع مطلوب، تعیین اهداف غایی جنبش و وسایل دستیابی به آنهاست. و در آخر، عرضه تبیین تازه ای از تاریخ به سوی جنبش و ستایش از گذشته آن است که در نتیجه آن، وضع موجود منسوخ اعلام می شود. (عیوضی، ۱۳۸۵: ۲۰۴)

همچنین، آگاهی سیاسی به افراد درک عمیقی از مشکلات و نابرابریها می دهد، این در حالیست که ایدئولوژی به آنها جهت و هدف می بخشد. ترکیب این دو می تواند جنبش های اجتماعی جدید را به نیرویی قدرتمند برای تغییرات اجتماعی و سیاسی تبدیل کند. ایدئولوژی به جنبش ها کمک می کند تا در برابر انحرافات و تلاش ها برای تغییر مسیر جنبش مقاومت کنند. آگاهی سیاسی افراد به همراه ایدئولوژی قدرتمند می

تواند اعضا جنبش را از خطراتی که ممکن است جنبش را به سمت اهداف و منافع نادرست سوق دهد، آگاه ساخته و آنان را در مسیر اصلی نگه دارد.

۶.۴. آگاهی سیاسی و هویت یابی سیال

اعضا جنبش های اجتماعی جدید علاقه مند به ایجاد فضایی برای ابراز عقاید اعضا خود در حوزه جامعه مدنی هستند. به همین منظور آنان به دنبال کسب قدرت در طبقه حاکمه نیستند و قصد دارند از طریق آگاهی سیاسی به هویت سازی جدیدی در جامعه دست بزنند. هویت ها بیانگر تصور فرد یا جمع از خویشتن و نحوه رابطه با دیگران است. از آنجایی که هویت ها به اقتضای شرایط اجتماعی- سیاسی خاصی شکل می گیرند و جنبه اجتماعی قوی دارند، لذا با افزایش آگاهی سیاسی نسبت به حقوق شهروندی و مطالبه گری نسبت به تقاضاهای سیاسی- اجتماعی حساسیت بیشتری از خود نشان داده و علاقه مند به شرکت در حیات سیاسی- اجتماعی می شوند. به بیانی دیگر، جنبش های اجتماعی جدید شبکه ای از تعامل میان کنشگران مختلف است که به اقتضای شرایط می تواند شامل سازمان های رسمی باشد یا نباشد. بنابراین، جنبش های اجتماعی عضو ندارند، بلکه مشارکت کننده دارند. (تورن، ۱۳۸۰: ۵۴)

زمانی که اعضا جنبش متوجه شرایطی در جامعه می شوند که این شرایط می تواند تهدیدی برای ارزش های مطلوب آن ها باشد و شرایط مورد قبول آنها را در آستانه دگرگون قرار دهد. بدینسان فرایند بروز و ظهور یک مسئله اجتماعی در وجدان یا آگاهی جمعی آنها آغاز می شود. بدیهی است تداوم و تقویت این آگاهی تا سر حد بدل شدن به یک امر عمومی تابع مقتضیات خاصی است. این مشارکت برانگیخته از آگاهی سیاسی و احساس درگیر بودن فرد در یک تلاش جمعی، لزوماً به یک سازمان خاص به صورت رسمی تعلق سازمانی ندارد. به این ترتیب، مشارکت فرد براساس آگاهی های سیاسی و تمایل فردی وی صورت می گیرد و همین امر می تواند موجب هویت سازی سیال و منعطف در میان افراد شود.

۵. تحلیل انقلاب اسلامی به مثابه امری تاریخمند

انقلاب اسلامی به مثابه یک امر تاریخمند در جنبش‌های اجتماعی از مولفه‌های متنوعی برخوردار است که آگاهی سیاسی جامعه را به واسطه عواملی چند شکل داده است. در ادامه به این عوامل موثر اشاره می‌شود.

۱.۵. رهبری امام خمینی (ره) و آگاهی سیاسی

نقش رهبری، ایجاد بیگانگی از وضع موجود، تحریک روحیه انقلابی، بیان آرمانهای جدید و ارائه راهبردها و تاکتیک‌های انقلابی، بسیج توده‌ها و نخبگان و ایجاد نظام سیاسی جدید است. وحدت بیشتر فرهنگی و تاریخی رهبران با مردم، امکان موفقیت انقلابها را تضمین می‌کند. (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۶).

از آنجا که رهبری سیاسی در جنبش‌های اجتماعی نقش کلیدی در شکل دهی، سازماندهی، و هدایت حرکت‌های اجتماعی به سوی اهداف مشخص دارد، این عامل در انقلاب ایران اهمیتی دوچندان پیدا کرد. زیرا امام خمینی (ره) با اتکاء بر سرمایه نمادین و قدرتی الهی بر جامعه ایرانی احاطه داشت و با افشاگری عملکرد رژیم پهلوی و وابستگی آن به آمریکا موجب بیداری و آگاهی سیاسی ایرانیان می‌شد. ویژگی‌های رهبری امام خمینی (ره) قدرتی بی‌همتا به وی می‌بخشید و از این طریق می‌توانست بسیج سیاسی را تسهیل کند. سادگی کلام در کنار وجود سرمایه اجتماعی و اقتصادی مرجعیت دینی و همچنین سرمایه فرهنگی وی، سبب می‌شد وی از سرمایه سرمایه نمادین برخوردار گردد و کلام ایشان در بازار سیاست ایران با استقبال مردم مواجه شود. این سرمایه عالی به وی قدرتی نامریی و غیرقابل نفوذ می‌داد که می‌توانست در برهه‌های سیاسی و اجتماعی اثرگذار بر ذهنیت جامعه ایرانی باشد. (استوار، ۱۴۰۰: ۹۴).

امام خمینی (ره) به واسطه وجود ویژگی‌های منحصر بفردی نظیر ذکاوت، شجاعت و صلابت در میدان سیاسی انقلابی سال ۵۷ در مرکز اعتراض سراسری علیه رژیم پهلوی قرار گرفتند. سرمایه فرهنگی امام به وی قدرتی داده بود که در مقابل، قدرت فیزیکی رژیم پهلوی تاب مقاومت در برابر آن را نداشت. جامعه ایران تحول پیدا کرده و با اتکاء

به ملکوت و آسمان و استفاده از مفاهیم و عناصر کربلا، عاشورا، امام حسین (ع) و شهادت حسینی، ذهنیت و توده های مردم را در اختیار افکار و سخنان امام قرار داد. (استوار، ۱۳۹۹: ۷۷-۷۶).

۲.۵. ایدئولوژی و آگاهی سیاسی

ایدئولوژیهای انقلابی ممکن است اهدافی فلسفی یا فکری داشته باشند اما در پی اقدام عملی و رسیدن به نتیجه حرکت می کنند. ایدئولوژی سیاسی، پدیدگی های سیاسی را ساده می سازد و ذهنیت مخاطبان را شکل می دهد. این ساده سازی واقیت در ایدئولوژی انقلابی وابسته به شور و احساس دوره انقلاب است و حتی گاهی با ساخت منافع اجتماعی هماهنگ است. ایدئولوژی بسیج چند کارویژه بنیادی دارد. نكوهش وضع موجود و انداختن گناه ناکارآمدیها و نارواییها به گردن مقام یا نهادی مشخص و ارایه راه حلی ساده و عامه فهم برای مشکلات. همچنین ترسیم مدینه فاضله در آینده و ایجاد فضای تخیلی در جوشش و خروش پیروان می افزاید. بنابراین ایدئولوژی های انقلابی با تاثیر بر افراد بر آگاهی سیاسی آنها اثر می گذارند. هر چند ممکن است این ایدئولوژیها مسیرهای اشتباهی برای جوامع خود ترسیم نمایند و آگاهی سیاسی کاذبی را شکل دهند. نظیر ایدئولوژی های نازیسیم، فاشیسم و کمونیسم. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۸۳-۸۱).

انقلاب ایران نیز با ایدئولوژیهای انقلابی متنوعی از گروه های سیاسی راست و چپ و مذهبی روبرو بود اما آنچه که از سوی جامعه ایران مورد پذیرش قرار گرفت، ایدئولوژی اسلام شیعی بود که روشنفکران مذهبی و روحانیان به رهبری امام (ره) مروج آن بودند. ایدئولوژی بازگشت به خویشتن از سوی علی شریعتی طرح شد و بازگشت به سنت و اسلام مورد توجه او و تعداد زیادی از روشنفکران منتقد قرار گرفت. کنشگران ایرانی به عنوان سوژه ای فعال با اتکاء به خود و عناصر بومی و بازگشت به خویشتن و ابعاد معنوی اسلام شیعه تلاش کرد در امتداد ظهور یک جنبش جدید اجتماعی به مخالفت با رژیم پهلوی پردازد و امام خمینی (ره) نیز با طرح اسلام سیاسی از ویژگی های اسلام ناب گفت و تفاوت این اسلام را با اسلام آمریکایی مشخص ساخت. این ایده ها به افزایش آگاهی سیاسی و دینی جامعه منجر شد و از اسلام برداشتی انقلابی و

مبارزه جو طرح کرد و همین مساله امکان بسیج سیاسی را در سال ۵۷ برای مخالفان رژیم پهلوی فراهم نمود.

۳.۵. بسیج سیاسی و رهبری امام خمینی (ره)

رهبری یکی از ارکان مهم از سوی جنبش انقلابی جامعه ایران در دهه ۵۰ شمسی پذیرفته شده بود. امام خمینی (ره) با هدایتی قدرتمند و بسیج کننده توده ها و جامعه پراکنده را منسجم ساخت. سرخوردگان از مدرن سازی جذب امام شدند و وی اسلام سیاسی را تنها راه نجات دهنده آنان معرفی کرد و مفاهیم مذهبی معنا و مفهومی جدید یافت و با اقبال جامعه ایرانی مواجه شد (استوار، ۱۴۰۰: ۹۶). در واقع پیروزی انقلاب اسلامی به واسطه ویژگی های منحصر بفرد امام (ره) در رهبری و بسیج کنندگی ملت بود. این ویژگی با توجه به خصلتهای وی به امام قدرتی فراتر از قدرت فیزیکی می داد که ویژگی های آن، مردم تحت تاثیر خود قرار داده و هرگونه فداکاری و جان فشانی را مهیا می کرد. این وضعیت منحصر بفرد در انقلاب ایران سبب شد که اتکاء به ملکوت و آسمان از هر قدرت فیزیکی کاراتر عمل می کرد تا آنجا که «لیلی عشقی» نویسنده فرانسوی معتقد بودند که انقلاب ایران انقلابی بود که در ملکوت شکل گرفته است. (عشقی، ۱۳۷۹: ۷۵) در چنین فضای نمادینی، امام با اتکاء بر این قدرت فراگیر، صاحب قدرت و مشروعیتی نمادین نزد جامعه ایرانی شدند که به مانند یک رهبر و نجات دهنده بزرگ در قرن بیستم ظهور و بروز یافتند. (استوار، ۱۳۹۹: ۷۶). ویژگی های رهبری در کنار ایدئولوژی مبارزه و استفاده از شبکه های هم افزایی تبلیغ و هویت یابی در میان جامعه سبب افزایش توجه مردم به فعالیت سیاسی و انقلابی علیه رژیم پهلوی می شد و امکان بسیج سیاسی را برای امام و دیگر رهبران سیاسی فراهم می کرد. امام با اتکاء به پیروانش در داخل ایران این شبکه هم افزایی و هویت یابی را ایجاد کرده بود و مساجد و حسینیه ها و مراسم ها و آیین های مذهبی به محلی برای تعاملات نوین افراد و افزایش آگاهی سیاسی و در نتیجه بسیج منابع تبدیل شد. ایده ها و نمادهای رهبران انقلاب بر حوزه دینی متمرکز بود و بازاندیشی و ایجاد مفاهیم دینی، بسیج اجتماعی جامعه علیه رژیم پهلوی را در دهه ۵۰ شکل داد. مخالفان رژیم پهلوی از شیوه ها و ابزار ایدئولوژیک

و آیین های شیعی به نفی ایدئولوژی سلطنت و شاه استفاده می کردند. (معدل، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

نتیجه گیری

جنبش های اجتماعی نوین، به جای دگرگونی در ساختارهای سیاسی و تغییر موازنه قدرت به طور مستقیم، خواهان تغییر بخش یا حوزه ای از مناسبات اجتماعی یا فرهنگی در روابط روزمره و در روال معمول زندگی اجتماعی می باشند. این جنبش ها از دهه های آخر قرن بیستم موجب تغییرات بزرگی در جوامع و به ویژه جوامع توسعه یافته شدند. عامل این تغییرات، سازمان ها و قدرتهای تشکل یافته سیاسی نیستند، بلکه انسان هایی هستند که اغلب با داشتن آگاهی سیاسی و اجتماعی به مثابه کنشگرانی فعال که در پی کسب حقوق انسانی از دست رفته خود می باشند و قادرند اندیشه های خود را در جامعه گسترش دهند، می باشند. به عبارتی، جنبش های اجتماعی جدید نتیجه کوشندگی و عمل سیاسی افراد، نه لزوماً جهت احقاق حقوق سیاسی و اقتصادی بلکه، برای کنترل زندگی، انتخاب آگاهانه و حق شناخت است. زمانی که اعضا جنبش متوجه شرایطی در جامعه می شوند که این شرایط می تواند تهدیدی برای ارزش های مطلوب آن ها باشد و شرایط مورد قبول آنها را در آستانه دگرگون قرار دهد. بدینسان فرایند بروز و ظهور یک مسئله اجتماعی در وجدان یا آگاهی جمعی آنها آغاز می شود.

به بیانی دیگر، آگاهی سیاسی به افراد درک عمیقی از مشکلات و نابرابریها می دهد، این در حالیست که ایدئولوژی به آنها جهت و هدف می بخشد. ترکیب این دو می تواند جنبش های اجتماعی جدید را به نیرویی قدرتمند برای تغییرات اجتماعی و سیاسی تبدیل کند. آگاهی سیاسی به افراد این توانایی را می دهد که نه تنها مشکلات خود را تشخیص دهند، بلکه ابزارها و راهبردهای لازم برای مقابله با این مشکلات را نیز بشناسند. یکی از این ابزارهای مهم، رهبری توزیعی می باشد. رهبری توزیعی در جنبش های اجتماعی جدید نه تنها به عنوان منبع الهام بخش برای پیروان خود محسوب می شود بلکه از طریق سخنرانیها در شبکه های مجازی تلاش می کنند تا با تاکید بر اصول

اخلاقی و ارزش های انسانی نظیر عدالت، آزادی و حقوق بشر، موجب تشویق و پیوستن افراد دیگر به جنبش شوند.

زمانی که افراد از مسائل سیاسی- اجتماعی آگاهی پیدا می کنند و می فهمند که چگونه این مسائل بر زندگی آنها تاثیر می گذارد، احتمال بیشتری دارد که در فعالیت های سیاسی مشارکت کنند و به بسیج سیاسی بپیوندند. آلن تورن جنبش های نوین اجتماعی را اراده تاریخ ساز سوژه انسانی و یک عمل تاریخمند می داند. عمل تاریخمند به کنش آگاهانه و هدمند انسانها در بستر تاریخی خاص اشاره دارد که به تغییرات اجتماعی و سیاسی منجر می شود. این کنش ها با درک شرایط تاریخی و اجتماعی و با هدف تغییر آنها صورت می گیرد. عمل تاریخمند نتیجه تصمیمات آگاهانه و جمعی است که بر مبنای تجربه و تحلیل انتقادی از وضعیت موجود گرفته می شود. به عبارتی، آگاهی سیاسی زمینه ساز عمل تاریخمند است. بدون آگاهی سیاسی، افراد ممکن است به صورت منفعلانه در برابر تغییرات اجتماعی و سیاسی واکنش نشان دهند، اما با داشتن آگاهی سیاسی، این واکنش ها به شکل آگاهانه و هدفمند انجام می شوند.

انقلاب اسلامی ایران نیز ویژگی های تاریخمندی جنبشهای جدید اجتماعی را در خود نهفته دارد. یکی مهمترین این ویژگی ها، ظهور سوژه ای فعال و تاریخمند بر مبنای ایده های نظری آلن تورن بود. کنشگران ایرانی با بازگشت به خویشتن و گذشته اسلامی و ارزشهای بومی و معنوی به مخالفت با رژیم غربگرای پهلوی پرداختند و پایان هژمونی غرب و رژیم وابسته و استقلال سیاسی را خواستار شدند. کنشگری که خودش با اتکاء به درون نو شد و حرکت انقلابی را آغاز کرد. از قیدهای اجتماعی دوره پهلوی رها شده و با اتکاء بر هویت بومی و معنوی به دنبال استقلال سیاسی و گسستن از وابستگی رفتند. این انقلاب با رهبری هدایت کننده و آگاه ساز از یکسو و طرح ایدئولوژی رهایی بخش اسلام سیاسی یک تحولی عظیم در افراد ایجاد کرد و با بکارگیری شبکه های آگاهی رسانی مساجد، حسینیه ها، آیین ها و مراسمهای شیعی موفق شد توده های مردمی را بیدار نماید و ضمن شکل گیری فهم مشترکشان از ظلم و ستم و نابرابری، آنها به عنوان سوژه ای اثرگذار و هویت بخش در جامعه ایرانی تبدیل شدند و رژیم پهلوی را سرنگون و انقلابی اسلامی را پدید آوردند.

منابع

۱. اسپوزیتو، جان؛ وال، جان. (۱۳۹۶). جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، (ا، شجاع. مترجم). چاپ ششم. تهران: نشر نی.
۲. استوار، مجید. (۱۳۹۹). «نقش سرمایه فرهنگی امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات میان فرهنگی. سال پانزدهم، شماره ۴۵، صص ۸۰-۶۱.
۳. استوار، مجید. (۱۴۰۰). «بررسی جامعه‌شناختی نبرد نمادین شاه و امام خمینی (ره) در انقلاب ۵۷ از دیدگاه پیر بوردیو». فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی. سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۱۰۱-۸۵.
۴. ایوبی، حسین. (۱۴۰۳). «کنشگر فعال و جنبش‌های جدید اجتماعی از دیدگاه آلن تورن». مطالعات کشورها. ۲ (۳): ۴۹۳-۴۶۹.
۵. آلینسکی، سال. دی. (۱۳۹۴). جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون. (س، مدنی قهفرخی. مترجم). تهران: روزنه.
۶. بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). انقلاب و بسیج سیاسی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. تورن، آلن. (۱۴۰۰). بازگشت کنشگر: نظریه اجتماعی در جامعه‌پسا صنعتی. (س، صادقی زاده، مترجم). چاپ سوم. تهران: نشر ثالث.
۸. تورن، آلن. (۱۳۸۰). نقد مدرنیته. (م، مردیها. مترجم). تهران: گام نو.
۹. تورن، آلن. (۱۹۷۳). «تولید جامعه در کنشگر فعال و جنبش‌های جدید اجتماعی از دیدگاه آلن تورن». (ح، ایوبی. مترجم). مطالعات کشورها. ۲ (۳): ۴۹۳-۴۶۹.
۱۰. حسین زاده، فهیمه. (۱۳۸۷). «ویژگیها و صورتبندی جنبش‌های اجتماعی در ایران». مجموعه مقالات جالش‌های اجتماعی ایران. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۱. خسرو خاور، فرهاد. (۱۳۷۹). «در جستجوی خویشتن». (م، متقی. مترجم). علوم اجتماعی. شماره ۴۱ و ۴۲.

۱۲. دلاپورتا، بی نا. (۱۳۹۶). *مقدمه ای بر جنبش های اجتماعی*. (م، دلفروز. مترجم). تهران: کویر.
۱۳. ذوالفقاری، وحید. (۱۴۰۱). «تحلیل طبقاتی جنبش های اجتماعی کلاسیک و جدید در ایران». *فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی*. دوره ۱، شماره ۴، صص ۸۵-۶۳.
۱۴. عشقی، لیلی. (۱۳۷۹). *زمانی غیر زمان ها (امام، شیعه و انقلاب)*. (ا، نقیب زاده. مترجم). چاپ اول. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۵. عیوضی، محمد رحیم. (۱۳۸۵). *جامعه شناسی سیاسی اپوزیسیون در ایران*. تهران: نشر قومس.
۱۶. فوران، جان. (۱۳۹۶). «یک قرن انقلاب: چارچوب های تطبیقی، تاریخی و نظری جنبش های اجتماعی ایران». در *یک قرن انقلاب در ایران*. چاپ اول. تهران: نشر مولی.
۱۷. محمدی، حمزه. (۱۳۸۵). «*درآمدی بر جنبش های اجتماعی*». زیربار. سال دهم، شماره ۶۰.
۱۸. معدل منصور. (۱۳۸۲). *طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب*. (م، کسرایی. مترجم). تهران: مرکز باز شناسی اسلام و ایران.
۱۹. ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۹۱). *پدیده انقلاب*. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

20. Finkel, Steve E. (2000). "civil Education and Political mistrust." *world Development*. Vol. 28, N.11.

The Role of Political Awareness in New Social Movements with an Emphasis on the Iranian Islamic Revolution

Abstract

Social movements are one of the most effective tools for promoting changes in power structures and social policies. The importance of addressing this issue is important because people with high political awareness can participate in decision-making processes as a driving force and organize social movements. With political awareness, people can distinguish the right from the wrong information and show resistance against false political propaganda and choose the best strategies to advance the goals of social movements. Based on this, using the descriptive-analytical method, the purpose of this article is to address the question of what role did the political consciousness of people play in creating new social movements such as the Islamic Revolution as a historical act? In order to investigate this question, this research has investigated the role of political awareness in the Islamic Revolution Movement of Iran. The findings of the research show that political awareness as an effective factor by focusing on the effective factors of leadership and ideology has been effective in the political mobilization of a new social generation and the formation of the Islamic Revolution of Iran.

Key Words: New Social Movements, Political Awareness, Islamic Revolution, leadership, Ideology.